

بهار تازه

گفتم به پرنده غزلخوان
این نغمه شادمانه از چیست
خندید: بهار انقلاب است
هنگام بهار فصل شادی است

احمد زاری

تا تو ای بهار تازه، آمدی
سروهای سرفراز آمدند
مثل رودخانه‌های پرخروش
عاشقان به پیشواز آمدند

نصیر امین پور

هرگز از یادها نخواهد رفت
روز زیبای ما در آن بهمن
روز خون و شهادت و ایثار
روز پایان سلطه دشمن

جعفر ابراهیمی شاد

آب می‌شد شب سیاه سکوت
در طلوع بهاری یک مرد
این همه اتفاق را با هم
می‌شد از پنجره تماشا کرد

میر واکه یاری

هرگز از یادها نخواهد رفت
روز زیبای ما در آن بهمن
روز خون و شهادت و ایثار
روز پایان سلطه دشمن

جعفر ابراهیمی شاد

پس از سال‌ها آمدی از سفر
صمیمی، رها، شادمان، خوش خبر
سرانجام، پیغام بهمن رسید
زهر باغ، بوی شکفتن رسید

سید سعید هاشمی

یادش بخیر آن روزگاران
آن روزهای آتش و دود
آن روزگاری که هر کس
یک حلقه از زنجیر ما بود
آن روزگاری که هر کس
می‌گفت: «اوج انقلاب است»
رد گلوله بوی باروت
رد گل و بوی گلاب است

شکوه قاسمی

چون بوی گل بیچید آن روز
آوازه پیروزی ما
از کوچه این محله
تا ابرها و کهکشان‌ها

علی اکبر شیری

